

Analytical Comparison of the Story of Abraham (pbuh) in the Meccan and Medinan Suras

Nosrat Nilsaz*, Soheila Jalali Kondori**

Sajedeh Nabaei***

Abstract

The story of Ibrahim (pbuh) is one of the stories of the Qur'an which is narrated in many Meccan and Medinan suras. Since Abraham (pbuh) is the founder of monotheistic religions and the ancestor of monotheists, her character in the Holy Quran and the Holy Book has been the focus of many researchers. The basis of the current research is the comparison of the Meccan and Medinan versions of the Holy Quran's account of the story of Abraham (pbuh). As a result, some parts of this story belong to Meccan suras and some to Medinan suras. Some are also common between these two groups of suras and there is a difference in their content. In most cases, the difference in the development of Meccan and Medinan suras is connected with the atmosphere of revelation of these two groups of suras and the difference in audience. The predominance of the phenomenon of polytheism in the social atmosphere of Mecca, as well as the increase of polytheist audiences over the believers, requires the narration of those events that tell about the struggle of Abraham (pbuh) with the manifestations of polytheism. On the other hand, some specific achievements of Medinan suras

* Associate Professor, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares, University, Tehran, Iran (Corresponding Author), nilsaz@modares.ac.ir

** Associate Professor, Department of Quranic studies and Hadith, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran, s.jalalik@alzahra.ac.ir

*** PhD in Quranic studies and Hadith, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran, s.nabaei@alzahra.ac.ir.

Date received: 2022/10/22, Date of acceptance: 2022/12/07



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

influenced by the legal and legislative atmosphere of Medina are a preparation for the legalization of some rulings that are related to the faithful audience.

Keywords: Ibrahim (pbuh), Sequence, Plot, stories of the Qur'an, Medinan suras, Meccan suras.

مقایسه تحلیلی داستان ابراهیم (ع) در سوره‌های مکی و مدنی

نصرت نیل‌ساز*

سهیلا جلالی کندری**، ساجده نبی***

چکیده

داستان ابراهیم (ع) از داستان‌های چندنسخه‌ای قرآن است که در سوره‌های مکی و مدنی روایت شده است. از آنجاکه ابراهیم (ع) بنیان‌گذار ادیان توحیدی و نیای یکتاپرستان است، شخصیت او مورد توجه بسیاری از پژوهشگران قرار گرفته است. نقطه اتکای پژوهش حاضر مقایسه نسخه مکی و مدنی گزارش قرآن کریم از داستان ابراهیم (ع) است. نتیجه آنکه برخی پیرفت‌های این داستان به سوره‌های مکی و برخی به سوره‌های مدنی اختصاص دارد. برخی نیز میان این دو دسته سوره مشترک است و در پیرنگ آنها تفاوت وجود دارد. تفاوت پیرفت سوره‌های مکی و مدنی در بیشتر موارد با فضای نزول این دو دسته سوره و تفاوت مخاطب پیوند می‌یابد. غلبه پدیده شرک بر فضای اجتماعی مکه و همچنین فزونی مخاطبان مشرک بر مخاطبان مؤمن، روایت آن دسته از پیرفت‌هایی را می‌طلبد که از مبارزه ابراهیم (ع) با مظاهر شرک حکایت می‌کند. در مقابل، برخی پیرفت‌های اختصاصی سوره‌های مدنی متأثر از فضای تشریح و قانون‌گذاری مدینه، تمهیدی به منظور تشریح برخی احکام است که به مخاطبان مؤمن مربوط می‌شود.

کلیدواژه‌ها: ابراهیم (ع)، پیرفت، پیرنگ، داستان‌های قرآن، سوره‌های مکی، سوره‌های مدنی.

* دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، nilsaz@modares.ac.ir

** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران، s.jalalik@alzahra.ac.ir

*** دکترای علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران، s.nabaei@alzahra.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۶



۱. مقدمه

ابراهیم(ع) به‌عنوان بنیان‌گذار سه دین توحیدی یهودیت، مسیحیت و اسلام نزد پیروان این ادیان از شأن و منزلت والایی برخوردار است. او علاوه بر اینکه پدر دینی یهودیان، مسیحیان و مسلمانان است، پدر نَسَبی آنان نیز محسوب می‌شود؛ زیرا موسی(ع)، عیسی(ع) و محمد(ص) از فرزندانگان او بودند. ابراهیم(ع) در قرآن نیز جایگاه عالی قدری دارد و از او به‌عنوان "حنیف"، "مسلم"، "خلیل‌الله"، "حَلِیم"، "اَوَّاه"، "مَنِیب" "اَمَّت قانت"، "صَدِیق"، "نَبِی" و "اسوه حسنه" یاد و به او درود فرستاده شده است (الصافات/۱۰۹). او یکی از پیامبران اولوا العزم است که کتاب و شریعت به آن‌ها داده شده است (الشوری/۱۳). در نسل او نیز نبوت و اعطای کتاب الهی قرار داده شده است (الحدید/۲۶). نام مبارک ایشان بعد از موسی(ع) (۱۳۶ تکرار) بیشترین تکرار را در میان انبیای الهی در قرآن دارد (۶۹ تکرار). ابراهیم(ع) تنها پیامبری است که در قرآن از اعطای مقام امامت به او خبر داده شده است (البقره/۱۲۴). او بنیان‌گذار مناسک حج است (الحج/۲۶-۳۷). محاجّه‌ای که اهل کتاب در رابطه با ابراهیم(ع) داشتند و هریک از یهودی‌ها و نصرانی‌ها دین و آیین خود را منتسب به او می‌دانستند (آل‌عمران/۶۵)، گواه آن است که او نه تنها در میان مسلمانان؛ بلکه در میان اهل کتاب نیز عالی‌مقام و مقدّس است. یادکرد ابراهیم(ع) در کتاب مقدس از پایان فصل یازدهم سفر تکوین با ذکر شجره‌نامه او آغاز می‌شود و در فصل ۲۵ از همان سفر، با مرگ او در ۱۷۵ سالگی خاتمه می‌یابد (نک: کتاب مقدس، ۱۳۷۹: کتب العهد العتیق، سفر تکوین، فصل ۱۱-۲۵). او در کتاب مقدس پیامبری ارجمند و بلندمرتبه است که خداوند در مواضع مختلف به او ذریّه‌ای کثیر و پربرکت را بشارت داده و او و فرزندان او را گرامی داشته است (همان، سفر تکوین، فصل ۱۳، آیه ۱۷؛ فصل ۱۵، آیه ۱۶). برخی از فضایی که در قرآن برای او ذکر شده، در کتاب مقدس نیز آمده است. از جمله گزارش سربلندی ابراهیم(ع) از امتحان قربانی کردن فرزندش که در فصل ۲۲ از سفر تکوین و در آیات ۱۰۱-۱۰۷ از سوره صافات آمده است.

سوره‌های متعدّد مکی و مدنی قرآن کریم مشتمل بر یادکرد ابراهیم(ع) است که هر کدام مرحله‌ای از زندگی این پیامبر را حکایت می‌کند. پژوهش حاضر مقایسه‌ای توصیفی-تحلیلی از داستان ابراهیم(ع) در سوره‌های مکی و مدنی قرآن کریم است. همان گونه که می‌دانیم سبک و سیاق قرآن در روایتگری داستان‌ها این گونه است که به تناسب فضای سخن خود با مخاطبان و به‌منظور عبرت‌گیری، در هر موضعی که به یادآوری شخصیت‌ها و قهرمانان پیشین و عاقبت ایشان نیاز باشد، از آن بهره می‌جوید، به‌گونه‌ای که ذهن شنونده را برای آنکه بداند پس از این

چه اتفاقی خواهد افتاد، درگیر و سرگردان نمی‌کند؛ بلکه او را در دریافت نکته موردنظر یاری می‌دهد و با زمینه سخن نیز تناسب خود را حفظ می‌کند (صالحی نیا، ۱۳۹۴ش، ص ۲۵۱). بنابراین و بر اساس این سبک، تمام پیرفت‌های^۱ یک داستان، در یک سوره متمرکز نیست؛ بلکه میان سوره‌های مختلف پراکنده است. در این میان تنها داستان یوسف (ع) است که به طور کامل و متمرکز در یک سوره (سوره یوسف) ذکر شده، باقی داستان‌های قرآن داستان‌های چندنسخه‌ای است. داستان ابراهیم (ع) نیز از جمله داستان‌های چندنسخه‌ای قرآن است که ذکر آن در مواضع مختلفی به میان آمده است. از میان سوره‌های مکی می‌توان به سوره‌های اعلیٰ، نجم، ص، مریم، شعراء، هود، یوسف، حجر، انعام، صافات، زخرف، شوری، ذاریات، نحل، ابراهیم، انبیاء و عنکبوت اشاره کرد. سوره‌های مدنی مشتمل بر ذکر ابراهیم (ع) و خانواده‌اش عبارت است از: بقره، آل عمران، ممتحنه، نساء، حدید و توبه.^۲

تفاوت پیرفت‌های داستان‌های قرآن در سوره‌های مکی و مدنی از آنجاکه متأثر از فضای حاکم بر دو دوره مکه و مدینه است، می‌تواند در تمیز این دو دسته سوره مؤثر باشد و مخاطب را به ویژگی‌های سوره‌های مکی و مدنی رهنمون سازد. چه شناخت این ویژگی‌ها فوایدی به دنبال دارد: شناخت ناسخ و منسوخ، علم به تاریخ تشریح و مراحل تدریجی آن و غیره (الزرقانی، بی تا، ج ۱، ص ۱۸۸). از همین جا ضرورت پژوهش حاضر مشخص می‌شود؛ زیرا همان گونه که پیش از این آمد داستان ابراهیم (ع) از جمله داستان‌های چندنسخه‌ای قرآن با تفاوت پیرفت‌های مکی و مدنی است.

۲. پیشینه پژوهش

نظر به جایگاه والای ابراهیم (ع) در میان پیروان سه دین توحیدی یهودیت، مسیحیت و اسلام، پژوهش‌های بسیاری در رابطه با شخصیت ابراهیم (ع) در قرآن و کتاب مقلّس انجام شده است. برخی از این پژوهش‌ها در مقام مقایسه شخصیت ابراهیم (ع) در قرآن با کتاب مقلّس است.^۳ برخی نیز در مقام پاسخ به اینکه ذبیح ابراهیم (ع) چه کسی بود به رشته تحریر درآمده است.^۴ پژوهش‌های دیگری متمرکز بر یکی از پیرفت‌های داستان ابراهیم (ع) در قرآن است.^۵ مدخلی نیز با عنوان "ابراهیم در قرآن" در دایرةالمعارف قرآن تألیف شده است.^۶ همان گونه که پیش‌تر آمد محوریت این نوشتار مقایسه داستان ابراهیم (ع) در سوره‌های مکی و مدنی و استخراج نقاط اشتراک و افتراق این دو نسخه و چرایی آن است. با این محوریت تنها یک پژوهش تألیف شده

که آن هم در مقام پاسخ و ردّ شبهات خاورشناسان در رابطه با تفاوت چهره ابراهیم(ع) در سوره‌های مکی و مدنی است.^۷

۳. اشتراک و افتراق سوره‌های مکی و مدنی در بیان داستان ابراهیم(ع)

به‌منظور دستیابی به پیرفت‌های مشترک و مفترق سوره‌های مکی و مدنی در روایت داستان ابراهیم(ع)، پیرفت‌های متعدّد این داستان که در سراسر قرآن کریم پراکنده بود، جمع‌آوری و دسته‌بندی شد. سپس مقایسه‌ای میان پیرفت‌های روایت‌شده از این داستان در سوره‌های مکی و مدنی انجام شد و در پی آن، نقاط اشتراک و افتراق این دو دسته سوره در یادکرد ابراهیم(ع) مشخص شد. در ادامه ابتدا پیرفت‌های اختصاصی سوره‌های مکی و مدنی در عناوینی مستقل خواهد آمد. سپس پیرفت‌های مشترک هر دو دسته سوره بیان و به تفاوت پیرنگ^۸ آنها توجه خواهد شد. همچنین در ضمن ارائه پیرفت‌های مشترک و مفترق، چرایی آن نیز تحلیل و تعلیل خواهد شد. لازم به ذکر است که نحوه ارائه پیرفت‌های داستان ابراهیم(ع) بر اساس سیر تاریخی آن در تفسیر المیزان است (نک: الطباطبائی، بی تا، ج ۷، صص ۲۱۵-۲۱۷).

۱.۳ پیرفت‌های اختصاصی سوره‌های مکی

الف - کتاب آسمانی ابراهیم(ع): ابراهیم(ع) دارای کتابی آسمانی به نام "صُحُف" بود که در سوره اعلی و پس از آن در سوره نجم به آن اشاره شده است. سوره اعلی از نخستین سوره‌های نازل‌شده بر پیامبر(ص) است (السّیوطی، ۱۳۶۷: ۴۲/۱) که در آیه آخر آن از کتاب آسمانی ابراهیم(ع) و موسی(ع) سخن به میان آمده: "صُحُفِ اِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى" (الاعلی/۱۹)، بدون آنکه داستانی از ایشان حکایت شود. واژه "صُحُف" جمع "صحیفه" است. علّت جمع بستن این واژه آن است که ابراهیم(ع) صحیفه‌های متعدّدی داشت، همچنان که برای موسی(ع) نیز صحیفه‌های زیادی بود که مجموع آنها اسفار تورات را تشکیل دادند (ابن‌عاشور، بی تا: ۲۵۸/۳۰). پس از سوره اعلی در سوره نجم باز هم به کتاب آسمانی ابراهیم(ع) در کنار کتاب آسمانی موسی(ع) اشاره شده است: "أَمْ لَمْ يُنَبِّأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَى (۳۷) وَ اِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى" (النجم/۳۶-۳۷). به کتاب آسمانی ابراهیم(ع) تنها در سوره‌های مکی اشاره شده است.^۹

ب - همراهی ظاهری ابراهیم(ع) با مشرکان در پرستش ماه و خورشید و ستاره: این پیرفت تنها در سوره مکی انعام (۷۵-۸۳) حکایت شده است. آن زمان که او برای هدایت قوم

به طریق محاجّه و استدلال، در پرستش ستاره و ماه و خورشید با آن‌ها همراه شد و پس از افول هر سه، استدلال کرد "خدایی که افول می‌کند، شایسته پرستش نیست" (الطبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۴، ص ۵۰۲؛ الفخر الرازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۳، ص ۴۲؛ ابن عاشور، بی‌تا، ج ۶، ص ۱۷۷؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۳، ص ۲۱۴). البته در این میان برخی معتقدند این همراهی از روی باور و جمله "هذا ربّی" به طریق قیاس بوده؛ زیرا بر اساس عبارت "لَئِنْ لَمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ" او در ابتدا گمراه بوده و مرحله به مرحله هدایت شده؛ اما از آنجا که این پیشامد قبل از بلوغ و کمال عقل ابراهیم (ع) رخ داده، خدشه‌ای به مقام عصمت او وارد نمی‌کند (الطبری، بی‌تا، ج ۷، صص ۱۶۳-۱۶۵). در پایان، به نام فرزندان ابراهیم (ع)، اسحاق (ع) و یعقوب (ع) تصریح می‌شود. روایت اختصاصی این پیرفت در مکه می‌تواند متأثر از فضای آلوده به شرک مکه باشد. حجّتی که ابراهیم (ع) در جهت بطلان عقیده قومش در پرستش غیرخدا ارائه داد^۱، برای مخاطب مشرک مکه نیز می‌توانست اقناع‌کننده باشد. پرستش موجوداتی که زوال‌پذیر و افول‌کننده هستند و قرار دادن آنها به‌عنوان شریکان خداوند، عملی بی‌اساس و نابخردانه است. بنابراین یادکرد استدلال ابراهیم (ع) و محاجّه او با قومش به‌منظور آگاه‌سازی مخاطبان مشرکی است که در مکه بر مخاطبان مؤمن کلام الهی از نظر کمی و کیفی غلبه دارند. شاید از رهگذر این گزارش‌ها به خود بیایند و از اعمال شرک‌آلود اقوام پیشین حذر کنند. به‌ویژه آنکه اهالی مکه ابراهیم (ع) را نیای خود و دین خود را دین او می‌دانستند.

ج - بت‌شکنی ابراهیم (ع): سوره صافات اولین موضعی است که در آن پیرفت بت‌شکنی ابراهیم (ع) و پرتاب او درون آتش به‌عنوان مجازات بت‌شکنی و در ادامه سرد و سلامت شدن آتش بر او روایت شده است (۸۳-۱۰). پس از آن در سوره انبیاء، آیات ۵۱-۷۰ بار دیگر داستان بت‌شکنی ابراهیم (ع) و آتشی که بر او سرد و سلامت شد، اشارت رفته است. البته داستان در این سوره با تفصیل بیشتری بیان شده است. شاید بتوان اختصاص این پیرفت را به سوره‌های مکی به فضای آلوده به بت‌پرستی مکه مرتبط دانست. به‌ویژه روایت ترفندی که ابراهیم (ع) برای تنبّه مخاطب به کار می‌برد و استدلالی که آن حضرت به منظور اثبات عدم شایستگی بت‌ها برای پرستش می‌آورد^۲، جملگی با هدف روشنگری و هدایت مخاطب بت‌پرست و مشرک مکه است تا بداند بتی که حتّی نمی‌تواند سخن بگوید و از خودش دفاع کند، شایسته پرستش نیست. از سوی دیگر سرد و سلامت شدن آتش بر ابراهیم (ع) که با دستور خداوند انجام شد و بر طریق خرق عادت بود، به سنّت همیشگی خداوند در جهت حمایت و عنایت فرستادگانش اشاره دارد و تعریضی به مخاطبان منکر و ملحد مکه است تا

بدانند در صورتی که فرستاده خدا را انکار و تکذیب کنند، خداوند او را از هر طریقی یاری می‌دهد، حتی اگر عادتت را خرق کند.

د- بشارت به تولد اسماعیل (ع) و رؤیای ذبیح او: از دیگر پیرفت‌های اختصاصی مکه بشارت به ولادت اسماعیل و رؤیای ذبیح اوست. این پیرفت در سوره صافات و در ادامه بت‌شکنی ابراهیم (ع) گزارش می‌شود. ابتدا به تولد فرزند بشارت داده می‌شود: "فَبَشِّرْهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ" (الصافات/۱۰۱). سپس به رؤیای ابراهیم (ع) درباره ذبیح فرزند و در نهایت جایگزینی ذبیح او با ذبیحی عظیم اشاره می‌شود.^{۱۲} این پیرفت تنها یک مرتبه در کل قرآن روایت شده است. البته به نام فرزند تصریح نمی‌شود. همین موضوع، یعنی؛ مبهم بودن ذبیح و عدم ذکر نام او، سبب شده برخی به این نتیجه برسند که ذبیح، اسحاق (ع) بوده است؛ همان فرزندی که پیش از این به تولدش بشارت داده شده است (الطبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۳، ص ۵۵؛ firestone, 2001, p10). در کتاب مقلّس نیز ذبیح، اسحاق (ع) معرفی شده (نک: کتاب مقلّس، ۱۳۷۹: کتب العهد العتیق، سفر تکوین، فصل ۲۲)؛ اما از آنجا که قول مشهور میان مفسران اعم از شیعه و سنی ذبیح بودن اسماعیل (ع) است (الطوسی، بی تا، ج ۸، ص ۵۱۸؛ الطبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۸، ص ۷۰۷؛ الطباطبائی، بی تا، ج ۱۷، ص ۱۵۳؛ ابن عاشور: بی تا، ج ۲۳، ص ۶۲؛ سیدقطب، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۲۹۹۶؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ش، ج ۲۵، ص ۱۹۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۹، ص ۱۱۸) و نیز برخی در این موضوع توقف کرده و جانب هیچ یک را برنگزیده‌اند (القرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۱۵، ص ۱۰۱؛ السیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۲۷۹؛ الشوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۴۶۴)، عنوان به کاررفته برای این پیرفت مشتمل بر نام اسماعیل (ع) و یادکرد اوست، نه اسحاق (ع). سیاق آیات نیز، ذبیح بودن اسماعیل (ع) را دلالت دارد؛ زیرا پس از بشارت به "غلام حلیم"، در آیه ۱۱۲ بشارت به تولد اسحاق (ع) آمده است.^{۱۳} بشارت به تولد اسحاق (ع) و از ورای او یعقوب (ع) نیز تنها در سوره‌های مکی روایت شده است، گرچه مانند بشارت به تولد اسماعیل (ع) تکامد نیست. در اینجا شایسته است به یک اشتراک و یک افتراق در رابطه با بشارت به تولد فرزندان ابراهیم (ع) اشاره شود. اشتراک آنکه بشارت به ولادت هر دو فرزند ابراهیم (ع)، به سوره‌های مکی اختصاص دارد و در سوره‌های مدنی رهیافتی از آن وجود ندارد؛ اما افتراق در آن است که بشارت به ولادت اسماعیل (ع) تنها در یک موضع مشاهده می‌شود (الصافات/۱۰۱)، در حالی که مژده به تولد اسحاق (ع) در مواضع متعددی آمده؛ گاه در ضمن روایت پیرفت ورود فرشتگان بر ابراهیم (ع) (هود/۷۱؛ حجر/۵۳؛ الذاریات/۲۸) و گاه دیگر در فضایی غیر از روایت داستان و در مقام امتنان (الصافات/۱۱۲). فزونی بشارت به تولد

اسحاق (ع) بر بشارت به تولد اسماعیل (ع) شاید از این جهت باشد که ابراهیم (ع) و همسرش ساره به دلیل کهولت سن و عقیم بودن ساره، از فرزندآوری مأیوس بودند و بشارت به تولد فرزند در این شرایط موضوعی عجیب و دور از انتظار بود. به‌ویژه آنکه این بشارت از طریق فرشتگان الهی که در کالبد بشر تمثّل پیدا کرده بودند، برای ایشان آورده شد. این در حالی است که هاجر همسر دوم ابراهیم (ع) با معضل ناباروری و عقیم بودن مواجه نبود و اساساً به دلیل ناباروری ساره، هاجر همسر ابراهیم (ع) شده بود. توجه به این نکته ضروری است که یادکرد اسحاق (ع) به‌عنوان فرزند ابراهیم (ع) از یاد کرد اسماعیل (ع) در کلّ قرآن بیشتر است. حتی یادکرد یعقوب (ع) به‌عنوان فرزند اسحاق (ع) نیز بر یادکرد اسماعیل (ع) فزونی دارد. از میان مستشرقان، اشپرنگر (Aloys Sprenger) و هرخرونیه (Christian Snouck Hurgronje) معتقدند عدم تأکید بر پیوند ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع) در سوره‌های مکی نشان رشد تدریجی آگاهی پیامبر (ص) از رابطه ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع) است (ملک‌لو و دیگران، ۱۳۹۷ش، ص ۱۰۰). در مقام پاسخ شایسته است دو نکته یادآوری شود؛ اولاً، در آیه ۳۹ سوره ابراهیم شکرگزاری ابراهیم (ع) در مقابل هبه اسماعیل (ع) و اسحاق (ع) از سوی خداوند روایت شده است^{۱۴}. این روایت نشان می‌دهد پیوند ابراهیم (ع) با اسماعیل (ع) در سوره‌های مکی نیز سابقه دارد. ثانیاً، همان‌گونه که پیش از این گفته شد اشاره کمتر به پیوند ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع) نسبت به پیوند ابراهیم (ع) و اسحاق (ع) به سوره‌های مکی اختصاص ندارد؛ اساساً در قرآن از میان پسران ابراهیم (ع)، نام اسحاق (ع) اقتران بیشتری با او دارد. شاید به این دلیل که ابراهیم (ع) و همسرش ساره سال‌ها انتظار تولد اسحاق (ع) را داشتند. شاید هم علوّ درجه اسماعیل (ع) او را از انتساب به پدرش ابراهیم (ع) بی‌نیاز می‌کرد؛ زیرا همکاری با پدر در جریان بازسازی خانه کعبه امتیاز بزرگی برای بود (الطباطبایی، بی‌تا، ج ۷، ص ۲۴۵) و جز او و پدرش هیچ پیامبری در قرآن به حِلْم توصیف نشده است (هود/۷۵؛ الصّافات/۱۰۱) (همان، ج ۱۷، ص ۱۵۱). همچنین در جریان ذبح فرزند ابراهیم (ع)، اسماعیل (ع) نیز به‌عنوان ذبیح در معرض آزمایش الهی قرار گرفت و خداوند او را صابر یافت. و این امتحان بزرگی بود که اسماعیل (ع) را از سایرین جدا کرد و خداوند به یاد او قربانی کردن را در حجّ بر همگان واجب کرد. بنابراین جایگاه و مقام او آنچنان متعالی و والاست که وجاهت خود را از پدر نمی‌گیرد. این در حالی است که در رابطه با اسحاق (ع) جز اعطای او در سنّ کهولت ابراهیم (ع)، امتیاز دیگری در قرآن گزارش نشده است.

ه- ورود فرشتگان الهی بر ابراهیم (ع): از دیگر پیرفت‌های اختصاصی سوره‌های مکی وارد شدن فرشتگان الهی بر ابراهیم (ع) است که برای اولین بار در سوره هود روایت می‌شود (۶۹-

۷۳). این فرشتگان حامل بشارتی برای او و همسرش ساره بودند؛ بشارت به تولد اسحاق(ع) و از پس او یعقوب(ع) (هود / ۷۱). البته به مجادله ابراهیم(ع) با مأموران عذاب الهی در مورد قوم لوط نیز اشاره می‌شود (۷۴-۷۶)؛ زیرا این فرشتگان که در کالبد انسان ظاهر شده بودند، مأموریت دیگری نیز داشتند و آن عذاب قوم لوط(ع) بود. پس از سوره هود در سوره حجر، آیات ۵۱-۶۰ بار دیگر داستان فرشتگان الهی که بر ابراهیم(ع) وارد شدند و برای او و همسرش بشارت‌دهنده فرزند و برای قوم لوط مأمور عذاب بودند، حکایت می‌شود. البته تفاوت این نسخه از داستان با نسخه روایت‌شده در سوره هود این است که در سوره هود به حضور ساره همسر ابراهیم(ع) و مکالمه‌اش با فرشتگان الهی اشاره شده است^{۱۵}؛ اما در سوره حجر ذکری از او به میان نیامده است. در آیات ۲۴-۳۷ سوره ذاریات، برای سوّمین مرتبه پیرفت ورود فرشتگان الهی بر ابراهیم(ع) و بشارت او و همسرش به فرزنددار شدن روایت می‌شود. در این پیرفت نیز مانند سوره هود، به حضور ساره اشاره می‌شود (الذّاریات/۲۹). همچنین در انتها رسالت دیگر فرشتگان که آن عذاب قوم لوط بود، یادآوری می‌شود. تولد اسحاق(ع) از یک پدر پیر و فرتوت و مادری عقیم، تولدی معجزه‌آسا است که گواه حقانیت ابراهیم(ع) و فرزندش اسحاق(ع) است. اختصاص یادکرد این معجزه به سوره‌های مکی و پس از آن عذاب قوم لوط(ع) به سبب انکار فرستاده الهی، شاید متأثر از انکار و الحاد مخاطبان مکه باشد که آنان را مستحقّ عذاب الهی می‌کرد. بنابراین ذکر اجزای این داستان نوعی انذار برای ایشان محسوب می‌شد. از سوی دیگر حقانیت پیامبر گرامی اسلام را نیز همچون ابراهیم(ع) برای مخاطب مشرک و منکر مکه اثبات می‌کرد تا بداند انجام امور خارق عادت توسط فرستادگان الهی سستی است که حاکی از صدق دعوی ایشان و عنایت خداوند نسبت به آنان است و انکار پیامبران الهی پس از ارائه معجزه، عذاب و هلاکت به دنبال خواهد داشت.

۲.۳ پیرفت‌های اختصاصی سوره‌های مدنی

الف - مشاجره ابراهیم(ع) با نمرود: به این مشاجره در آیه ۲۵۸ سوره بقره اشاره شده و از پیرفت‌های اختصاصی سوره‌های مدنی است^{۱۶}. طبرسی به نقل از امام صادق(ع) زمان این محاجّه و مشاجره را، پس از شکستن بت‌ها و قبل از پرتاب او درون آتش می‌داند (الطبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۲، ص ۶۳۵). برخی نیز معتقدند زمان این مشاجره پس از سرد و سلامت شدن آتش بر ابراهیم(ع) بود (القمی، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۸۶). به‌رحال چه زمان آن قبل از پرتاب درون آتش باشد و چه بعد آن، این قطعه متعلّق به پیرفت بت‌شکنی ابراهیم(ع) است که شرح

مقایسه تحلیلی داستان ابراهیم (ع) ... (نصرت نیل‌ساز و دیگران) ۱۶۳

آن در سوره صافات و انبیاء گذشت؛ اما به‌طور مستقل در سوره بقره و در سیاقی غیر از سیاق روایت داستان آمده که توضیح بیشتر آن در ادامه خواهد آمد.

ب- سؤال ابراهیم (ع) از کیفیت زنده کردن مردگان: یکی دیگر از پیرفت‌های اختصاصی سوره‌های مدنی، درخواست ابراهیم (ع) از خداوند مبنی بر نشان دادن زنده کردن مردگان است. این درخواست در آیه ۲۶۰ سوره بقره و در سیاقی غیر از سیاق روایت داستان آمده است. بر اساس مفاد این آیه خداوند به‌منظور اطمینان قلبی ابراهیم (ع) نسبت به مسئله معاد به او دستور می‌دهد که چهار نوع پرنده را بگیرد و تکه تکه کند و هر جزئی از آن را بر کوهی قرار دهد، سپس آنها را فرابخواند تا شتابان نزد او آیند (الطبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۲، صص ۶۴۴-۶۴۵). در رابطه با علت این درخواست در تفاسیر روایی آمده است که ابراهیم (ع) مرداری را در ساحل دریا دید که حیوانات دریایی و حیوانات خشکی از آن می‌خوردند. سپس همان حیوانات به یکدیگر می‌پريدند و یکی دیگری را پاره می‌کرد و می‌خورد. ابراهیم (ع) تعجب کرد و به خداوند عرضه داشت: به من نشان بده چگونه مردگان را زنده می‌کنی (القمی، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۹۱؛ السیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۳۴)؟ این پیرفت که ظاهراً به پیرفت‌های دیگر داستان ابراهیم (ع) اتصالی ندارد، در سیاقی روایت شده است که سخن از حقایق معاد با ذکر شواهد تاریخی است؛ زیرا در آیه قبل به داستان میراندن عزیز (ع) و زنده کردن او بعد از صد سال اشاره می‌شود.^{۱۷} در آیه قبل از این آیه نیز، یعنی؛ آیه ۲۵۸ مجادله ابراهیم (ع) با نمرود بر سر قدرت نمرود در میراندن و زنده کردن روایت می‌شود (نک: بخش قبلی مقاله). بنابراین یادکرد این پیرفت متناسب با سیاق و فضای آیات است.

ج- بازسازی خانه کعبه توسط ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع): این پیرفت در آیات ۱۲۵-۱۲۹ سوره بقره روایت شده است. در روایات آمده است که خانه کعبه را آدم (ع) بنا نهاد و ابراهیم (ع) آن را بازسازی و تجدید کرد (الطبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱، ص ۳۸۹). در رابطه با علت ذکر بازسازی خانه کعبه توسط ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع) در سوره‌های مدنی، گفته شده از آنجا که مسائل فقهی و احکام شرعی در مدینه پررنگ‌تر جلوه می‌کند، طبیعی است که داستان بازسازی خانه کعبه که به نوعی اشاره به فریضه حج و مناسک آن دارد، در سوره‌های مدنی ذکر شود (الطباطبایی، بی تا، ج ۷، ص ۲۳۵)^{۱۸}. برخی از مستشرقان مدعی‌اند معرفی ابراهیم (ع) به‌عنوان اولین مسلمان، نیای اهل مکه و بنیان‌گذار آیین و مسلک‌شان برای اولین بار در سوره‌های مدنی، به‌منظور تألیف قلوب مشرکان مکه بوده است؛ این درحالی‌ست که در سوره‌های مکی ابراهیم (ع) جایگاه برجسته و شاخصی ندارد و از او تنها به‌عنوان یکی از انبیای

الهی یاد شده است؛ زیرا به اعتقاد این گروه از خاورشناسان، محمد(ص) در مکه به دنبال جلب توجه و تألیف قلوب یهودیان بود. به همین دلیل رو به اورشلیم نماز می‌خواند، حتی در سال‌های ابتدایی حکومت در مدینه نیز از همراهی آنان ناامید نشده بود؛ اما پس از مدت کوتاهی که از تألیف قلوب یهودیان ناامید شد، درصدد جلب توجه مشرکان مکه برآمد و آیین خود را از یهودیت معاصر متمایز کرد. به همین دلیل به بازسازی خانه کعبه توسط ابراهیم(ع) و اسماعیل(ع) اشاره و از این طریق بر نقش ابراهیم(ع) به‌عنوان نیای اهل مکه تأکید کرد. همچنین قبله را نیز از اورشلیم به کعبه تغییر داد (ملکلو و دیگران، ۱۳۹۷ش، صص ۹۹-۱۰۱). برخی از پژوهشگران در مقام نقد این ادعا به آیات ۳۵-۳۷ سوره ابراهیم^{۱۹} اشاره کرده‌اند که در رابطه با دعای ابراهیم(ع) برای تأمین امنیت سرزمین مکه و اسکان خانواده‌اش در آن سرزمین بی‌آب و علف در جوار حرم امن الهی است (همان، ۱۰۲). بنابراین در سوره‌های مکی نیز به ارتباط ابراهیم(ع) با ساکنان مکه اشاره شده است. تنها بازسازی خانه کعبه مسکوت مانده که علت آن را می‌توان در فضای حاکم بر مکه جستجو کرد. همان گونه که پیش‌تر از قول علامه طباطبایی آمد، فضای تشریحی حاکم بر مدینه سبب شده تا این پیرفت اختصاصاً در سوره‌های مدنی روایت شود. بنابراین روایت آن در مکه با توجه به اینکه هنوز شریعت اسلام تثبیت و تکمیل و بسیاری از احکام تشریح نشده و همچنان نزاع بر سر اصول اولیه دین، یعنی؛ توحید و معاد است، ضرورتی نداشته است. از سوی دیگر بر اساس آیات قرآن، ابراهیم(ع) هم نیای نسبی اعراب است، هم نیای دینی آن‌ها. در سوره ابراهیم که سوره‌ای مدنی است به رابطه نسبی اشاره شده و در سوره حج که سوره‌ای مکی است به رابطه دینی (همان، ۱۰۳).

د- اعطای مقام امامت به ابراهیم(ع): همان گونه که پیش از این آمد، ابراهیم(ع) از ابتلائات مختلف الهی پیروز و سرافراز عبور کرد. البته به این ابتلائات (رها کردن هاجر و اسماعیل(ع) در بیابان خشک و بی‌آب و علف حجاز، اقدام به ذبح اسماعیل(ع) به‌عنوان قربانی و غیره) در سوره‌های مکی اشاره شده است؛ اما موضوع اعطای مقام امامت به‌عنوان پاداش گذر از این آزمایش‌ها تنها در سوره مدنی بقره روایت شده است (البقره/۱۲۴). اعطای مقام خلافت و امامت، اواخر عمر ابراهیم(ع) و بعد از تولد اسماعیل(ع) و اسحاق(ع) واقع شد (الطباطبایی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۶۶). شاید علت یادکرد اختصاصی این موضوع در سوره مدنی بقره با وجود آنکه ابتلائات الهی که گذر از آنها زمینه استحقاق دریافت مقام امامت را برای ابراهیم(ع) فراهم آورده بود، در سوره‌های مکی اشارت رفته بود، به حضور پررنگ‌تر اهل کتاب در مدینه و اضافه شدن این گروه به خیل مخاطبان قرآن ارتباط پیدا کند^{۲۰}؛ زیرا در آیه ۱۲۴ سوره بقره پس از ذکر

مقایسه تحلیلی داستان ابراهیم (ع) ... (نصرت نیل‌ساز و دیگران) ۱۶۵

اعطای مقام امامت به ابراهیم(ع)، به سؤال آن حضرت با این محتوا که آیا این مقام ارزشمند به فرزندانم نیز می‌رسد، اشاره می‌شود و خداوند در پاسخ به این سؤال مقام امامت را از ظالمان نفی می‌کند (البقره/۱۲۴) تا بنی‌اسرائیل بدانند که مقام امامت مانند سایر میراث نیست که شرط آن تنها نزدیکی و خویشاوندی باشد؛ بلکه شرط آن گذر از ابتلائات الهی و ترک انواع ظلم است (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ش، ج ۲، ص ۱۲۱). بنابراین این آیه تعریضی به اهل کتاب است که ابراهیم(ع) را یهودی یا نصرانی و خود را فرزندان و نایبان شایسته آن حضرت می‌دانستند. به‌ویژه آنکه در آیات پیشین، خداوند بنی‌اسرائیل را مخاطب قرار داده و در مقام امتنان، نعمت‌های خویش را بر ایشان متذکر می‌شود و پس از آن در مقام انذار، احوال روز قیامت و عدم‌پذیرش شفاعت را در آن روز به ایشان یادآور می‌شود (البقره/۱۲۲-۱۲۳). بنابراین آیات، صیرف داشتن رابطه نسبی با ابراهیم(ع) و هر فرستاده دیگری، ضامن سعادت دنیوی و اخروی نیست. بیشتر مفسران اعم از شیعه و اهل تسنن معتقدند منظور از "ظلم" در آیه ۱۲۴ سوره بقره مطلق ظلم اعم از شرک، معصیت و فسق است (الطوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۴۹؛ الطبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱، ص ۳۸۰؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۱۴۳؛ الطباطبایی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۷۴؛ ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۸۸؛ سیدقطب، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۱۲)^{۱۱} که مصادیق مختلفی پیدا می‌کند. از جمله لجاجت و تعصب نسبت به باطل (الفخر الرازی، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۳۱)، تجاوز از حق مقرر شرعی و ظلم به خویشان و دیگران (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۲). همه این معانی در اهل کتاب لجوج معاصر پیامبر(ص) که آیات خطاب به ایشان نازل شده، قابل جمع است. آن‌ها با کتمان حقایق پیامبر گرامی اسلام(ص) هم به خویشان ظلم کردند، هم به افراد ناآگاهی که از ایشان تبعیت می‌کردند. این کتمان حقیقت از سر لجاجت و تعصب به عقیده باطلشان بود که خود را برتر از دیگران و محبوبان الهی می‌دانستند. بنابراین با انکار حقایق حضرت رسول(ص) با وجود علم به آن، مرتکب معصیت بزرگی شدند که ایشان را از نایل شدن به مقام شامخ امامت منع می‌کرد. به این ترتیب حضور پررنگ‌تر مخاطب اهل کتاب در مدینه، ذکر پیرفت اعطای مقام امامت به ابراهیم(ع) و نفی آن از ظالمان را سبب شده است تا در قالب تعریض و کنایه، اهل کتاب را متوجه سازد صیرف نسبت داشتن با ابراهیم(ع) سبب برتری و رستگاری نیست؛ بلکه اقرار به حقیقتی که آن را حاشا می‌کنند، مایه نجات و سعادت ایشان است. البته از میان مفسران علامه طباطبایی معتقد است اعطای مقام امامت مقدمه‌ای برای تشریح احکام از جمله احکام حج است (الطباطبایی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۶۷). بنابراین نظر علامه ذکر اختصاصی پیرفت اعطای مقام امامت در سوره‌های مدنی به پررنگ شدن عنصر محتوایی تشریح

احکام در این سوره‌ها که البته متأثر از فضای سیاسی و اجتماعی مدینه است، ارتباط پیدا می‌کند. به بیان دیگر از آنجاکه در مدینه پیرو تشکیل حکومت و تثبیت قدرت مسلمانان و اقبال عمومی طوایف مختلف به اسلام، تشریح احکام سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ضرورت پیدا کرده است، زمینه‌سازی و تمهید برای تشریح احکام نیز به همان اندازه ضروری است. از جمله این احکام، احکام مربوط به حج و زیارت خانه خداست که آیینی ابراهیمی است و متأسفانه توسط مشرکان عرب به انواع خرافه و مظاهر شرک آمیخته شده بود. بنابراین روایت نایل شدن ابراهیم(ع) به مقام امامت که پس از ذبح اسماعیل(ع) و دیگر ابتلائات الهی به وقوع پیوست، و همچنین روایت بازسازی خانه کعبه که متعاقب آن آمده، با فضای تشریح و قانون‌گذاری حاکم بر مدینه متناسب و هماهنگ است.

۳.۳ پیرفت‌های مشترک سوره‌های مکی و مدنی

الف - گفت‌وگوی ابراهیم(ع) با پدر و استغفار برای او: این گفت‌وگو از جمله پیرفت‌هایی از داستان ابراهیم(ع) است که میان سوره‌های مکی و مدنی مشترک است، گرچه در سوره‌های مکی بسامد به مراتب بالاتری دارد. این پیرفت نخستین مرتبه در سوره مریم آیات ۴۱-۴۸ حکایت شده است. البته در این سوره به نام پدر تصریح نشده و تنها با عبارت "أبیه" از او یاد می‌شود.^{۲۲} در پایان مکالمه نیز ابراهیم(ع) به پدرش وعده استغفار می‌دهد.^{۲۳} پس از آن در آیات ۶۹-۸۲ از سوره شعراء بار دیگر این گفت‌وگو روایت می‌شود. در این سوره نیز مانند سوره مریم از او مشخصاً نامی به میان نمی‌آید و تنها با عبارت "أبیه" از او یاد می‌شود (الشعراء/۷۰). البته این مکالمه به پدر ابراهیم(ع) اختصاص ندارد؛ بلکه قوم او نیز به همراه پدر مخاطب کلام ابراهیم(ع) بودند. از آیه ۸۳ تا آیه ۱۰۴، دعای آن حضرت به درگاه الهی مطرح می‌شود که در ضمن آن اوصاف قیامت نیز به میان می‌آید. پس از سوره شعراء در سوره انعام بار دیگر محاجّه او با پدرش "أزر" مطرح و به نام وی تصریح می‌شود.^{۲۴} البته در این سوره اثری از استغفار ابراهیم(ع) برای وی نیست. مفسران در رابطه با اینکه منظور از "أب"، پدر است یا عمو یا پدر بزرگ اختلاف دارند. منشأ این اختلاف روایاتی است که بر اساس داده‌های آن، نام پدر ابراهیم(ع) "تارخ" یا "تارح" بود (الطباطبایی، بی‌تا، ج ۷، ص ۱۶۲). در تورات نیز آمده است که او فرزند "ترح" بود (کتاب مقدس، ۱۳۷۹ش، کتب العهد العتیق، سفر تکوین، فصل ۱۱، آیات ۲۷-۲۸). برخی نیز گفته‌اند واژه "أزر" در زبان عبرانی نوعی ذمّ محسوب می‌شود. گویا که ابراهیم(ع) به پدرش گفته: "ای خطاکار" (الطبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۴، ص ۴۹۷).

برخی نیز معتقدند که او جدّ مادری ابراهیم (ع) بوده است؛ زیرا اجداد پیامبر گرامی اسلام (ص) تا آدم (ع) همگی موحد بودند (الطوسی، بی تا، ج ۴، ص ۱۷۵). برخی از مفسران نیز معتقدند "آزر" عموی ابراهیم (ع) بود؛ نه پدر؛ زیرا داشتن پدری مشرک و دشمن خدا با مقام عصمت پیامبران در تنافی است (المدرّسی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۱۱؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ش، ج ۱۰، ص ۹۶). علامه طباطبایی معتقد است با توجه به آیه ۴۱ سوره ابراهیم که آن حضرت برای والدینش طلب مغفرت می‌کند^{۲۵}، "آزر" پدر صلیبی ابراهیم (ع) نیست؛ بلکه پدر صلیبی او کسی است که برای او طلب مغفرت می‌کند؛ زیرا پس از آنکه مشخص شد "آزر" دشمن خداست، ابراهیم (ع) از او برائت جست و معنا ندارد که از برائت به دعا بازگردد (الطباطبایی، بی تا، ج ۷، ص ۱۶۴). پس از آن در سوره زخرف (۲۶-۲۸) بار دیگر به مبارزه ابراهیم (ع) با بت پرستی و تأکید او بر توحید الهی در ضمن گفت‌وگوی مشترک او با پدر و قومش اشاره می‌شود. در این موضع نیز از پدر ابراهیم (ع) با عنوان "آبیه" یاد می‌شود: "وَ إِذْ قَالَ لِإِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِمَّا تَعْبُدُونَ" (الزخرف/۲۶). در میان سوره‌های مدنی در سوره ممتحنه تنها در قالب یک آیه اشاره‌ای گذرا به مکالمه ابراهیم (ع) با قومش و البته استغفار برای پدر می‌شود (الممتحنه/۴). در این آیه نیز به نام پدر ابراهیم (ع) تصریح نمی‌شود و مکالمه‌ای اختصاصی از آن دو روایت نمی‌شود. یکی از پژوهشگران معاصر معتقد است گزاره استغفار ابراهیم (ع) برای پدرش، درسی آموزنده درباره رفتار با والدین گمراه دارد و این درس، نرمش در رویارویی با مبتلایان به کفر است (پاکتچی، ۱۳۸۸ش، ص ۳۹). در آیه ۱۱۴ سوره توبه بار دیگر گزاره استغفار ابراهیم (ع) برای پدرش در سیاقی غیر از روایت داستان، مطرح می‌شود، با این بیان که طلب آمرزش ابراهیم (ع) برای پدر کافرش تنها به دلیل وعده‌ای بود که به او داده بود؛ اما زمانی که دشمنی پدرش با خدای یگانه مشخص شد، از او برائت جست. اعلام بیزاری ابراهیم (ع) از پدر مشرکش درس دیگری در رابطه با نحوه برخورد پیامبران الهی با دشمنان دین است (همان جا)؛ زیرا بر اساس آیه ۱۱۴ سوره توبه، شایسته نیست که پیامبر (ص) و مؤمنان برای مشرکان طلب مغفرت کنند، حتی اگر آن شخص مشرک از خویشان و نزدیکان آنان باشد^{۲۶}. نکته دیگر اینکه وعده استغفار ابراهیم (ع) برای پدرش، استغفار در دنیاست؛ نه شفاعت در روز قیامت. مگر اینکه او در حالت ایمان از دنیا رفته باشد، یا اینکه ابراهیم (ع) کفر او را ندانسته باشد که چنین نیست (الطباطبایی، بی تا، ج ۷، ص ۱۶۲). به نظر می‌رسد علت فزونی یادکرد این گفت‌وگو و مشاجره در سوره‌های مکی بر یادکرد آن در سوره‌های مدنی که موضوع آن توحید و یکتاپرستی بود، به غلبه شرک و بت پرستی بر فضای مکه مربوط باشد؛ زیرا در مکه عکس

مدینه که درخت اسلام به بار نشسته بود و اصول این دین تثبیت شده بود، همچنان اختلاف و نزاع بر سر اصولی ابتدایی همچون توحید و معاد بود. در چنین فضایی و با وجود مخاطبانی مشرک که بر شرک و بت پرستی خود اصرار داشتند، تمرکز و تأکید بر آن پیرفت از داستان ابراهیم(ع) است که به مبارزه ایشان با مظاهر شرک و چندخدایی مربوط می‌شود. هر چند که طرف خصم، پدر یا عموی آن حضرت باشد. به‌ویژه آنکه این پیرفت در مجموع سوره‌های قرآن، شش مرتبه تکرار می‌شود تا مخاطب مشرک؛ به‌ویژه مخاطبانی که با پیامبر(ص) نسبت نزدیک و رابطه نسبی داشتند، بدانند که استقرار توحید مصلحتی فراتر از روابط خانوادگی و قبیله‌ای است.^{۲۷}

ب- تکذیب ابراهیم(ع): پیرفت تکذیب ابراهیم(ع) توسط قومش از پیرفت‌های مشترک داستان ابراهیم(ع) در میان سوره‌های مکی و مدنی است. این پیرفت مشترک در میان سوره‌های مکی، در سوره عنکبوت (۱۶-۱۸) گزارش می‌شود: در میان سوره‌های مدنی تنها در آیات ۴۲-۴۳ سوره حج روایت این پیرفت مشاهده می‌شود. البته شیوه روایتگری این پیرفت مشترک یا همان پیرنگ آن در دو سوره عنکبوت و حج با یکدیگر تفاوت دارد. در سوره حج خداوند در مقام تسلی خاطر حضرت رسول(ص) که توسط قوم خود تکذیب شده بود، به سنتی دیرینه و همیشگی در میان پیامبران الهی و اقوامشان اشاره دارد. آن سنت تکراری و زوال‌ناپذیر، تکذیب انبیای الهی توسط اقوامشان بود که در رابطه با پیامبر گرامی اسلام نیز در حال تکرار بود. بنابراین خداوند با اشاره به تکذیب نوح(ع)، عاد(ع)، ثمود(ع)، ابراهیم(ع) و لوط(ع)، محمد(ص) را دعوت به صبر می‌کند و آن حضرت را دلداری می‌دهد. در سوره عنکبوت اما ابتدا توصیه ابراهیم(ع) به قومش مبنی بر پرستش خدا و توحید روایت می‌شود. پس از آن در مقام دلداری به پیامبر گرامی اسلام(ص) به سنت همیشگی تکذیب پیامبران اشاره می‌شود. بنابراین در هر دو سوره عنکبوت و حج به پدیده تکذیب به‌عنوان یک سنت همیشگی اشاره می‌شود، با این تفاوت که در سوره عنکبوت این سنت پس از ذکر توصیه‌های ابراهیم(ع) به قوم یادآوری می‌شود.

ج- دعای ابراهیم(ع) در حق شهر مکه و ساکنانش: در سوره ابراهیم آیات ۳۵-۴۱ دعای حضرت ابراهیم(ع) در حق شهر مکه و اهالی آن و همچنین فرزندش اسماعیل(ع) روایت می‌شود که در ضمن آن دعا، اسکان همسر دوم و فرزندش اسماعیل(ع) در سرزمین لم‌بزرع مکه و رها کردن آن‌ها در آن سرزمین دانسته می‌شود؛ این اولین موضعی است که به هر دو فرزند ابراهیم(ع)، اسماعیل(ع) و اسحاق(ع) در کنار یکدیگر اشاره می‌شود.^{۲۸} موضع دیگری

که در آن به این دعا پرداخته شده، سوره مدنی بقره است (البقره/۱۲۶). بنابراین، روایت این دعا میان سوره‌های مکی و مدنی مشترک است؛ اما فضای صدور آن تفاوت دارد. در سوره ابراهیم، دعای یادشده پس از آنکه آن حضرت همسر و فرزندش را در سرزمین خشک و غیرمسکونی حجاز رها کرد، بیان شده؛ اما با توجه به پرداخت سوره بقره، این دعا پس از بازسازی خانه کعبه از ابراهیم (ع) صادر شده است. بنابراین ابراهیم (ع) در دو موضع مختلف در حق شهر مکه دعا کرده است؛ پس از اسکان هاجر و اسماعیل (ع) در آن سرزمین و پس از بازسازی خانه کعبه با همراهی اسماعیل (ع). نکته قابل تأمل اینکه در هر دو موضع، اسماعیل (ع) همراه او بوده است و این می‌تواند فضیلت و شرافتی برای اسماعیل (ع) باشد.

د- معرفی ابراهیم (ع) به عنوان حنیف و مسلم: پیرفت معرفی ابراهیم (ع) به عنوان حنیف و مسلم و نفی یهودیت و نصرانیت از او از پیرفت‌های مشترک میان سوره‌های مکی و مدنی است. گرچه این معرفی در سیاقی غیر از روایت داستان بیان شده، از آنجا که با شخصیت ابراهیم (ع) پیوند می‌یابد، با اغماض از جمله پیرفت‌های داستان ابراهیم (ع) شمارش شده است. تأکید بر حنیف بودن ابراهیم (ع) و نفی شرک از او در میان سوره‌های مکی نخستین مرتبه در آیه ۱۱۶ سوره انعام مطرح شده است. پس از آن سوره نحل به این پیرفت پرداخته است (النحل/۱۲۳). پرداخت بعدی، سوره مدنی بقره است (البقره/۱۳۵). و بالأخره آخرین موضع، آیه ۶۷ سوره آل عمران است. البته تفاوتی که پرداخت سوره آل عمران با دیگر پرداخت‌های قرآن دارد، اضافه شدن گزاره نفی یهودیت و نصرانیت از ابراهیم (ع) و معرفی او به‌عنوان مسلم است.^{۲۹} پرواضح است که این تفاوت به سیاق آیات و شمار بیشتر اهل کتاب در مدینه ارتباط پیدا می‌کند؛ زیرا بر اساس آیات قرآن، اهل کتاب در رابطه با ابراهیم (ع) محاجّه می‌کردند و کتاب آسمانی او را تورات یا انجیل معرفی می‌کردند. یهودیان مدعی یهودی بودن او و مسیحیان مدعی نصرانی بودن او بودند. قرآن ایشان را به دلیل این محاجّه و معرفی ابراهیم (ع) به‌عنوان نیای اهل کتاب، توبیخ و سرزنش می‌کند؛ زیرا به مدّعی خود علم نداشتند (آل عمران/۶۵-۶۶). پس از آن یهودیت، نصرانیت و شرک را از او نفی و مسلم بودن او را تقریر می‌کند. سپس پیروان واقعی ابراهیم (ع) را پیامبر گرامی اسلام (ص) و مؤمنان معرفی می‌کند (آل عمران/۶۸). البته توجه به این نکته ضروری است که منظور از اسلامی که ابراهیم (ع) به آن توصیف شده، شریعت قرآن و دین محمدی نیست؛ بلکه اصل تسلیم در برابر خدای سبحان و خضوع در مقابل مقام ربوبیت اوست که گاهی به اسم یهودیت و گاهی به نام نصرانیت و گاه دیگر در قالب شریعت قرآن ظهور می‌کند (الطباطبایی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۵۳).

ابراهیم(ع) اولین کسی بود که تسلیم پروردگار شد (البقره/۱۳۱)، به همین دلیل او را "ابالمسلمین" نامیدند (همان، ج ۱۴، ص ۴۱۲). به هر حال سابقه نداشتن نفی یهودیت و نصرانیت از ابراهیم(ع) در سوره‌های مکی، به مخاطب کلام الهی مربوط می‌شود؛ مخاطب مکه عموماً مشرکانی هستند که مانند اهل کتاب ابراهیم(ع) را نیای خود می‌دانند و خداوند با نفی شرک از آن حضرت بر اعتقاد متوهمانه مشرکان خط بطلان می‌کشد؛ اما پس از هجرت به مدینه و اضافه شدن اهل کتاب به مخاطبان قرآن، علاوه بر نفی شرک از ابراهیم(ع)، نفی یهودیت و نصرانیت نیز از او ضرورت پیدا می‌کند.

۴. نتیجه‌گیری

مقایسه روایت داستان ابراهیم(ع) در سوره‌های مکی و مدنی، پژوهش حاضر را به پیرفت‌های اختصاصی و مشترک این دسته از سوره‌ها رهنمون ساخت. بررسی چرایی روایت پیرفت‌های اختصاصی سوره‌های مکی و مدنی با بررسی فضای نزول سوره‌ها و سیاق آیات آنها گره خورده است. به گونه‌ای که فضای آلوده به شرک و الحاد مکه سبب شده آن پیرفت‌هایی از داستان در سوره‌های مکی روایت شود که نمودار مبارزه ابراهیم(ع) با شرک و چندخدایی است، مثل پیرفت بت‌شکنی ابراهیم(ع) یا پیرفت همراهی او با طبیعت پرستان به منظور ابطال عقیده آن‌ها. در مقابل، تحت تأثیر فضای تشریحی و قانون‌گذاری مدینه به دنبال تشکیل حکومت و وضع قوانین مختلف فردی و اجتماعی، آن پیرفت‌هایی گزارش می‌شود که تمهیدی برای وضع قوانین است، مثل پیرفت بازسازی خانه کعبه یا پیرفت اعطای مقام امامت که مقدمه‌ای برای تشریح مناسک حج است. همچنین در مدینه پیرو افزایش مخاطبان اهل کتاب کلام الهی و ادعای ایشان در رابطه با آن حضرت، یهودیت و نصرانیت همراه با شرک از او نفی می‌شود. بنابراین تفاوت در نسخه مکی و مدنی داستان ابراهیم(ع) به تفاوت فضای سیاسی و اجتماعی مکه و مدینه و تفاوت مخاطبان این دو شهر ارتباط پیدا می‌کند؛ نه اینکه پیامبر(ص) متأثر از جریان‌های سیاسی دو چهره متفاوت از ابراهیم(ع) گزارش کرده باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. پیرفت کوچک‌ترین حلقه زنجیره حوادث داستان است و داستان سیر توالی مجموعه‌ای از پیرفت‌هاست (معموری، ۱۳۹۲ش، ص ۱۹).

مقایسه تحلیلی داستان ابراهیم (ع) ... (نصرت نیل ساز و دیگران) ۱۷۱

۲. شایان یادآوری است که معیار این پژوهش در شناخت سوه‌های مکی و مدنی و همچنین ترتیب نزول آنها، روایتی منقول از ابن عباس است که به تصریح آیت‌الله معرفت بیشتر علما به صحت آن اذعان دارند (معرفت، بی تا، ج ۱، ص ۱۳۳). بر اساس این روایت از میان ۱۱۴ سوره قرآن، ۸۶ سوره مکی و ۲۸ سوره مدنی است (نک: السیوطی: ۱۳۶۷ش، ج ۱، صص ۴۲-۴۳). البته در این میان، مکی یا مدنی بودن چند سوره (نساء، رعد، حج، محمد (ص)، حجرات، رحمان، حدید، صف، جمعه، تغابن، انسان، بینه و زلزال) محل اختلاف است (همان: ۴۷/۱-۵۴) که التزام این پژوهش به همان روایت منقول از ابن عباس است.

3. Mohd Rusdi, Ismail (2007), Prophet Ibrahim in Quran and the Bible: a comparative study of dual perspectives, *International Islamic University*.

پاکتچی، احمد (۱۳۸۸)، آغاز دعوت ابراهیم (ع) در قرآن و مقایسه‌ای با منابع یهودی و مسیحی، *صحیفه مبین*، (۴۶)، صص ۷-۴۰

و...

۴. ایمانی، محمدرسول (۱۳۸۹)، مروری بر دو دیدگاه درمورد ذبیح ابراهیم (ع) در سنت اسلامی، *معرفت/ادیان*، (۱)۲، صص ۵-۲۱.

وصفی، محمدرضا و سید روح‌الله شفیعی (۱۳۹۱)، چالش بر سر وراثت: بازخوانی تطبیقی داستان قربانی پسر ابراهیم (ع) در سنت‌های یهودی، مسیحی و اسلامی، *ادیان بهار*، (۱۱)، صص ۱۴۳-۱۶۴.

مقری، احمد، کاظمی‌راد، رضا و محمدتقی انصاری‌پور (۱۳۹۴)، مسئله‌شناسی روایت ذبیح فرزند ابراهیم (ع) در ادیان ابراهیمی، *معرفت/ادیان*، (۳)۶، صص ۴۹-۶۸.

و...

۵. عباسی جامد، مسعود (۱۳۸۴)، هجرت ابراهیم (ع) از بابل تا مکه، کوثر، (۱۶)، صص ۹۸-۱۰۶

Al-Zubaidi, Wafaa Kadem Salim Obaid (2022), the dialectic of the educational discourse of Prophet Ibrahim (peace be upon him) with his father and his people, *Iraqi Journal of Humanitarian, Social and Scientific Research*.

و...

6. Firestone, Reuven (2001), Abraham in the Quran, *Encyclopedia of the Quran*, Brill, Leiden-BostonKöln, volume 1, pp 5-10.

این مدخل توسط حسن رضایی ترجمه شده است (ر.ک: فایرستون، ریوون (۱۳۹۳)، ابراهیم (حسن رضایی، مترجم) *دائرة المعارف قرآن*، سرویراستار جین دمن مک اولیف، سرویراستار ترجمه فارسی حسین خندق آبادی و دیگران، تهران، انتشارات حکمت، ج ۱، صص ۱۰۸-۱۱۴).

۷. ملک‌لو، صدیقه، نصرت نیل‌ساز، مهرداد عباسی و خلیل پروینی (۱۳۹۷). تحلیل انتقادی دیدگاه برخی خاورشناسان درباره تفاوت چهره ابراهیم و اسماعیل در سوره‌های مکی و مدنی، *مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی*، ۲ (۱)، صص ۹۷-۱۱۸.

۸. پیرنگ شیوه‌ای است که مؤلف برای گزینش و ترکیب رخداد‌های داستان برمی‌گزیند و رشته‌هایی از کنش‌ها را به یکدیگر می‌دوزد تا سیری منطقی و ارضاکنده برای رسیدن به پایان قطعی داستان بیافریند (معموری، ۱۳۹۲: ۲۲).

۹. در کلّ کاربست واژه "صُحُف" در سوره‌های مکی (المدثر/۵۲؛ التکویر/۱۰؛ الاعلیٰ/۱۸-۱۹؛ النجم/۳۶؛ عبس/۱۳) به مراتب بیشتر از کاربست این واژه در سوره‌های مدنی است (البینه/۲). البته توجه به این نکته ضروری است که سوره بینه از جمله سوره‌های اختلافی است که برخی آن را مکی می‌دانند (نک: السیوطی، ۱۳۶۷ش، ج ۱، ص ۵۴). بنابراین اگر به تبعیت از برخی مفسران (سیدقطب، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۳۹۴۷)، سوره بینه از جمله سوره‌های مکی قرآن احصا شود، کاربست واژه "صُحُف" به سوره‌های مکی اختصاص پیدا می‌کند.

۱۰. فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أَحِبُّ الْآفِلِينَ ﴿٥٢﴾ فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِغًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَيْتَنِي لَمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ ﴿٥٣﴾ فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِغَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ ﴿٥٤﴾ إِنِّي وَجْهَتُ وَجْهِي لِلذِّی فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٥٥﴾ (الانعام/۷۶-۷۹).

۱۱. جَعَلَهُمْ جُذَاءً إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ ﴿٥٦﴾ قَالُوا مَنْ فَعَلَ هَذَا بِآلِهَتِنَا إِنَّهُ لَمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٥٧﴾ قَالُوا سَمِعْنَا فَتَىٰ يَدُكُرُّهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ ﴿٥٨﴾ قَالُوا فَاتُوا بِهِ عَلَىٰ عَيْنِ النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ ﴿٥٩﴾ قَالُوا أَأَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِآلِهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ ﴿٦٠﴾ قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَاسْأَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ ﴿٦١﴾ فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٦٢﴾ ثُمَّ نُكِسُوا عَلَىٰ رُءُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا هَؤُلَاءِ يَنْطِقُونَ ﴿٦٣﴾ قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا وَلَا يَضُرُّكُمْ ﴿٦٤﴾ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٦٥﴾ (الصافات/۵۷-۶۷).

۱۲. فَبَشِّرْهُ بِبَغْلَامٍ حَلِيمٍ ﴿٦٦﴾ فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَىٰ قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ ﴿٦٧﴾ فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ ﴿٦٨﴾ وَنَادَيْتَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ ﴿٦٩﴾ قَدْ صَدَّقَتِ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿٧٠﴾ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ ﴿٧١﴾ وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ ﴿٧٢﴾ (الصافات/۱۰۱-۱۰۷).

۱۳. وَبَشِّرْهُ بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ.

۱۴. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ.

مقایسه تحلیلی داستان ابراهیم (ع) ... (نصرت نیل ساز و دیگران) ۱۷۳

۱۵. وَ امْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَ مِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ ﴿٧٣﴾ قَالَتْ يَا وَيْلَتَى أَ لِدُ وَ أَنَا عَجُوزٌ وَ هَذَا بَعْلِي شَيْخًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ ﴿٧٤﴾ قَالُوا أ تَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَتُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ (هود/۷۱-۷۳).

۱۶. أ لَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَ يُمِيتُ قَالَ أَنَا أَحْيِي وَ أُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ.

۱۷. أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَ هِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَ شَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَ انظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَ لِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ وَ انظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوها لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (البقره/۲۵۹).

۱۸. بر اساس یافته‌های نگارنده، مفسران دیگر متعرض این تفاوت نشده‌اند.

۱۹. وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَ اجْنُبْنِي وَ بَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ ﴿٣٢﴾ رَبِّ إِنَّهُمْ أَضَلُّنَا كَثِيرًا مِنْ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَ مَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٣٣﴾ رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَ ارزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ ﴿٣٤﴾.

۲۰. یهودیان، قرن‌ها پیش از ظهور اسلام در جزیره‌العرب پراکنده بودند. مهم‌ترین مرکز تجمع این گروه، شهر یثرب یا همان مدینه‌النبی بود. یهودیان مدینه سه قبیله بودند: بنی‌نضیر، بنی‌قینقاع و بنی‌قریظه که به مشاغلی همچون آهنگری، زرگری و ساخت اسلحه مشهور بودند (امین، ۲۰۱۲، صص ۳۱-۳۲). البته مسیحیان در مدینه سکونت نداشتند؛ بلکه در شهر نجران متراکم بودند و تجارت می‌کردند (همان، ۳۳).

۲۱. برای اطلاعات بیشتر نک: نیل‌ساز، ۱۳۹۶ش، صص ۱۱۷-۱۳۰.

۲۲. إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَ لَا يُبْصِرُ وَ لَا يُعْنِي عَنْكَ شَيْئًا (مریم/۴۲).

۲۳. قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا (مریم/۴۷).

۲۴. وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ آزرًا تَتَّخِذُ أَصْنَامًا آلِهَةً إِنِّي أَرَاكَ وَ قَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (الانعام/۷۴).

۲۵. رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَ لِوَالِدَيَّ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ.

۲۶. مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَ لَوْ كَانُوا أُولَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ.

۲۷. البته می‌توان گفت مسائل اعتقادی به دلیل اهمیت خاصی که دارد، موضوع غالب کل قرآن است و سوره‌های مکی و مدنی در این باره یکسان هستند. با این تفاوت که در سوره‌های مکی سخن از اصل توحید و معاد است؛ اما در سوره‌های مدنی سخن از احکام و قوانینی است که از عقیده به توحید و معاد مدد گرفته و در سایه آن رشد کرده و مرجع آن است (محمد قطب، ۱۴۰۲ق، ص ۲۲).

۲۸. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ (ابراهیم/۳۹).

۲۹. مَا كَانَ إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ.

کتاب‌نامه

علاوه بر قرآن کریم

ابن‌عاشور، محمد بن طاهر، (بی‌تا). *التحریر و التنویر*، بیروت: موسسه التاریخ.

ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، (۱۴۰۸ق). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

امین، احمد، (۲۰۱۲م). *فجر الاسلام*، قاهره: موسسه الهداوی للتعلیم و الثقاوة.

پاکتچی، احمد، (۱۳۸۸ش). آغاز دعوت ابراهیم(ع) در قرآن و مقایسه‌ای با منابع یهودی و مسیحی، *صحیفه مبین*، (۴۶)، صص ۷-۴۰.

الزرقانی، محمد عبدالعظیم، (بی‌تا). *مناهل العرفان فی علوم القرآن*، دار احیاء التراث العربی.

سید قطب شاذلی، ابراهیم، (۱۴۱۲ق). *فی ظلال القرآن*، بیروت-قاهره: دارالشرق.

السیوطی، جلال الدین، (۱۳۶۷ش). *الاتقان فی علوم القرآن* (محمد ابوالفضل ابراهیم، محقق)، منشورات الرضی-بیدار.

..... (۱۴۰۴ق). *الدر المثور فی تفسیر المأثور*، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

الشوکانی، محمد بن علی، (۱۴۱۴ق)، *فتح القادیر*، دمشق، بیروت: دار ابن کثیر، دار الکلم الطیب.

صادقی تهرانی، محمد، (۱۳۶۵ش). *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن بالسنة*، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.

الطباطبایی، سید محمدحسین، (بی‌تا). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی‌تا.

الطبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات ناصر خسرو.

الطبری، ابوجعفر محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالمعرفه.

الطوسی، محمد بن حسن، (بی‌تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مقایسه تحلیلی داستان ابراهیم (ع) ... (نصرت نیل ساز و دیگران) ۱۷۵

- القرطبی، محمد بن احمد، (۱۳۶۴ش)، الجامع الاحکام القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- القمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۳ش). تفسیر القمی، قم: دارالکتاب.
- الفخر الرازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- کتاب مقدس، (۱۳۷۹ش). کتب العهد العتیق (فاضل خان همدانی و ویلیم گلن مترجم)، تهران: اساطیر.
- محمد قطب، (۱۴۰۲)، دراسات قرآنیة، دارالشروق.
- المدرسی، محمدتقی، (۱۴۱۹ق). من هدی القرآن، تهران: دار محبی الحسین.
- معرفت، محمدهادی، (بی تا)، التمهید فی علوم القرآن، ناشر مؤسسه النشر الاسلامی.
- معموری، علی، (۱۳۹۲ش). تحلیل ساختار روایت در قرآن، تهران: نگاه معاصر.
- مغنیه، محمد جواد، (۱۴۲۴ق)، تفسیر الکاشف، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ملک لو، صدیقه، نصرت نیل ساز، مهرداد عباسی و خلیل پروینی، (۱۳۹۷ش). تحلیل انتقادی دیدگاه برخی خاورشناسان درباره تفاوت چهره ابراهیم و اسماعیل در سوره های مکی و مدنی، مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، ۲ (۱)، صص ۹۷-۱۱۸.
- موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی، (۱۴۰۹ق)، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه اهل بیت.
- نیل ساز، نصرت و صدیقه ملک لو، (۱۳۹۶ش)، جریان شناسی تفاسیر فریقین نسبت به آیه ۱۲۴ سوره بقره در مسئله امامت، مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، ۱ (۳)، صص ۱۱۷-۱۳۰.

Firestone, Reuven (2001), Abraham in the Quran, Encyclopedia of the Quran, Brill, Leiden-Boston-Koln, volume 1, pp 5-10.